

• درآمد

حسن زنگنه مترجم است؛ مترجمی که با خواندن صحبت‌های او در خواهید یافت که چیزی از یک محقق تاریخ کم ندارد. او کتاب‌های متعددی از اسناد و مدارک کنسولگری‌های انگلیس استخراج، تدوین و ترجمه کرده است که هر یک گامی به سوی شفاف‌تر شدن تاریخ قیام جنوب است. وقتی به دیدن او می‌رفتیم، وقتی در ساختمانی سالخورده اما زیبا و مستحکم قدم می‌زدیم و وقتی پله‌ها و بالکن‌ها را طی می‌کردیم، احساس خاص داشتیم و به محضی که به دفتر کار آقای زنگنه - که امروز مرکز جذب سرمایه‌های خارجی و داخلی در بوشهر است - رسیدیم با توضیح ایشان متوجه شدیم جایی که در آن قدم می‌زدیم دفتر کار سید محمدرضا کازرونی بوده است؛ جایی که رئیس‌علی دلواری در طول مبارزاتش بارها به آنجا رفت و آمد می‌کرد و با آزاده مردی چون سید محمدرضا کازرونی هم کلام می‌شد. از این رو در فضایی که هنوز بوی شهید رئیس‌علی دلواری را می‌داد، به اتفاق استاد زنگنه به تحلیل اسناد و مدارک خارجی و کنکاش در تاریخ افتخار آفرین قیام رئیس‌علی پرداختیم.



گفت و شنود شاهد یاران با استاد حسن زنگنه مترجم و محقق تاریخ

## مردی که به خلیج همیشه فارس غرور و سربلندی بخشید...

بندرعباس رنگ و پوی فرهنگ بلوچ دیده می‌شود، بندر لنگه هم تقریباً از همین روند برخوردار است، اما وقتی به بوشهر می‌آیید همه چیز منحصر به بوشهر و ایران است. از پوشش تا معماری تا زبان تا رفتار و آداب و سنن و غیره. هیچ چیز وارداتی ندارد. فاصله بوشهر تا کشورهای عربی بسیار کم است اما هیچ یک از مردمان بوشهری عربی صحبت نمی‌کنند. وجه دیگر این بحث خان‌ها هستند. خان‌های بوشهر، مانند دیگر مناطق اصیل ایران، همواره در رقابت بودند، به این معنا که برای کسب امتیازات بیشتر در منطقه، زورآزمایی می‌کردند و پیروز میدان بر قدرت خود می‌افزود. به همین دلیل در این منطقه افراد شجاع و متهوری یافت می‌شد، تا جایی که حتی قشون خاص خود را داشتند و بر مناطق خاص خود حکم‌فرمایی می‌کردند. این ویژگی در کنار ویژگی اصالتی که به آن اشاره شد، به تدریج سلسله مراتبی را پدید آورد که در ارتش می‌توان دید. خان‌ها، رئیس‌هایی داشتند پر دل و جرأت که از مرزها و محدوده جغرافیایی و حقوق مردم دفاع می‌کردند و رشادت‌ها می‌آفریدند. بنابراین وقتی بحث از خاک یک منطقه فراتر می‌رود و به کلیت کشور مرتبط می‌شود یقیناً این ویژگی‌ها دست به دست هم داده و آنچه امروز با عنوان حماسه جنوب و رئیس‌علی دلواری از آن یاد می‌شود، پدید می‌آید.

از میان اسناد خارجی مرتبط با این قیام شخص رئیس‌علی، اولین‌ها کدام‌ها هستند؟

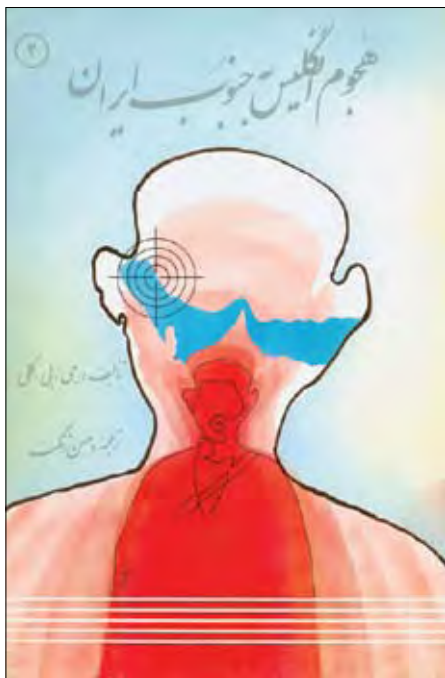
وقتی این ویژگی‌ها از زبان دشمن حکایت می‌شود می‌توان گفت جای هیچ شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد! بله، مردم این منطقه به قدری متهور، شجاع و جنگجو و سلحشور بودند که دو ژنرال انگلیسی به نام‌های «استاکر» و «استاکفورد» از ترس رویارویی با آن‌ها دست به خودکشی می‌زنند.

**مردم این منطقه به قدری متهور، شجاع و جنگجو و سلحشور بودند که دو ژنرال انگلیسی به نام‌های «استاکر» و «استاکفورد» از ترس رویارویی با آن‌ها دست به خودکشی می‌زنند.**

چه چیز از مردمی ماهیگیر و کشاورز افرادی چنین سلحشور می‌سازد؟ نکته بسیار جالبی است و باید براساس علم مردم‌شناسی و تاریخ‌شناسی به آن پاسخ داد. یکی از نکات بسیار جالب در خصوص بوشهر، تفاوت خاص آن با دیگر نقاط مشابه یا غیرمشابه است. حتماً شما به خرمشهر سفر کرده‌اید؛ در خرمشهر - به طور واضح - تأثیر فرهنگ عربی زبان تابوتش و معماری مردم آن سامان قابل مشاهده است، در

ما در گفت و گو با استادان مختلف و به نام و همین‌طور در نشست و برخاست با برخی از محلی‌ها که از ماجرای حماسه جنوب مطلع بودند اطلاعات مختلفی - چه به لحاظ علم تاریخ نگاری و چه به لحاظ روایت‌های مردمی - کسب کرده‌ایم، از این رو با توجه به تخصص شما در امر ترجمه و آگاهی از متون و گزارش‌های خارجی، محور بحث را رویکرد بیگانگان و اسنادی که از حماسه جنوب و شخصیت رئیس‌علی دلواری در دست دارند قرار داده‌ایم. لطفاً برای شروع تاریخ حماسه جنوب را از زبان بیگانگان برای ما روایت کنید!

در این خصوص بنده این توفیق را داشته‌ام که چندین کتاب ترجمه کنم و به چاپ برسانم؛ کتاب‌هایی که هر یک بیانگر زوایایی که خیانت‌هایی است که به این سرزمین شده و مبارزه شیردلان این سرزمین با مهاجمان. یکی از این کتاب‌ها، کتابی است به قلم آقای «گرنی دات»، که اطلاعات مورد اشاره به گونه‌ای قابل درک و بسیار گویا در آن مجموع شده است. وقتی انگلیسی‌ها به سال ۱۸۵۶، بوشهر، خارک و خرمشهر را تسخیر می‌کنند، به عنوان یک روند اداری، هم فرمانده عملیات، هم فرمانده ضد اطلاعات و هم رئیس لجستیک (پشتیبانی) آن‌ها، هر آن‌چه را اتفاق می‌افتاد، ریز به ریز به سرکرده‌های خود در هندوستان و لندن گزارش می‌کردند. این گزارش‌ها به شکل خاصی، حکایت از شجاعت، بی‌باکی و تهور مردم این خطه دارد.



بودند، پشت کتابچه دست نوشته‌هایی می‌بینند. این دست نوشته‌ها مربوط به یکی از کسانی بود که در جنگ با انگلیسی‌ها حضور داشته و بخش عمده‌ای از اتفاقات، اسامی کسانی را که در جنگ حضور داشتند، کسانی را که به شهادت رسیدند یا برخی از انگلیسی‌ها را در دست نوشته خود ذکر کرده بود. چنان که دکتر مشایخی و مرحوم نبوی اشاره می‌کنند، بخش عمده‌ای از این دست نوشته با ترجمه‌ای که بنده از گزارش‌های انگلیسی‌ها ارائه داده‌ام کاملاً مطابقت داشت.

و از این طریق یکی از متون قابل رجوع کشف می‌شود!

دقیقاً! چون همان طور که می‌دانید در گذشته‌ها و شاید هم امروز، کم و بیش دیده می‌شود که بزرگترها اتفاقات زندگی را پشت قرآن می‌نوشتند. این یکی از رسوم ما ایرانیان است. اگر این شواهد که تا به امروز کمتر مورد توجه قرار گرفته توسط شما جوان‌های علاقه‌مند و تحصیلکرده جمع آوری شود، حتماً بخشی از اهمال صورت گرفته در زمینه تاریخ نگاری نیز جبران خواهد شد. به هر حال این نمونه به ما یادآور می‌کند که هنوز تاریخ ناگفته‌های بسیار دارد. جمع آوری اسناد رسمی، اسناد روایی، اسناد خارجی و هر سند و مدرک دیگر - چنان که اشاره کردید- می‌تواند تکه‌های مغفول تاریخ را به ما یادآوری کند. یقیناً مرد بزرگی چون شهید اسطوره‌ای، رئیس‌علی دلواری، و حماسه‌ای که آفرید ابعاد بسیار وسیع‌تری از آنچه امروز می‌دانیم داشته است و باید پشت به پشت، با هوش و تلاشی که در شما جوانان قابل مشاهده است، روی آن کار شود تا به کمال مطلوب برسد.

شما در زمره کسانی هستید که هم از روایت خارجی‌ها و متجاوزان از حماسه جنوب مطلع هستید و هم تاریخ و روایات محلی و داخلی. به ما توضیح بدهید آیا براساس اسناد و مدارک

گزارش‌های انگلیسی‌ها ترجمه کرده‌ام موضوعات مختلفی به صورت مفصل و کامل نگاشته شده است. اولین نکته‌ای که در خصوص شخص رئیس‌علی دلواری در این گزارش‌ها ذکر می‌شود به سال ۱۹۰۹ میلادی بازمی‌گردد، به زمانی که انگلیسی‌ها در بوشهر قشون پیاده می‌کنند و آنجا را اشغال می‌کنند. این‌جا رئیس‌علی در حضوری جانانه، جنگ سختی با انگلیسی‌ها می‌کند.

**توصیف رئیس‌علی در آن متن را به یاد دارید؟**  
بله، این‌گونه توصیف می‌شود که شخصی به نام رئیس‌علی که رئیس تنگستانی‌ها است و مردی جنگجو و مبارز است...

**یعنی تا این حد مثبت برخورد می‌شود؟**  
شجاعت او دوست و دشمن را به شگفتی واداشته بود. از این گذشته انگلیسی‌ها در گزارش‌های خود شرح اتفاقات را دقیقاً می‌نوشتند تا نسبت به عملکردشان پاسخ داده باشند. آن‌ها شرایط را توصیف می‌کردند تا دلیل عدم پیشبرد مقاصدشان را برخلاف آنچه پیش بینی کرده بودند دریابند. خوب، در این بین چه مثبت ارزیابی کنید چه منفی، دلیل ناکامی انگلیسی‌ها حملات و سلحشوری‌های جنگجویی چون رئیس‌علی دلواری بوده است.

**وقتی با استادان تاریخ منطقه - از بوشهر تا گناوه و شیراز- صحبت می‌کردیم همواره از ضعف یا نواقص تاریخ نگاری در ایران سخن به میان می‌آمد. بخشی از این اشارات، دو مقوله دخالت پادشاهان در امر تاریخ نگاری رسمی و تأثیر احساسات راویان بر روایت‌های سینه به سینه را دربرمی‌گرفت. از این رو اسناد و مدارک تاریخی که از متجاوزین به دست می‌آید، به هر لحنی که باشد، می‌تواند ما را در تشخیص راهنمایی کند و به ابعاد مختلف شخصیتی شهید رئیس‌علی دلواری که امروزه به عنوان یک اسطوره مطرح است پی ببریم. بنابراین اجازه بدهید این سؤال را مطرح کنم که مدارک و اسناد ترجمه شده توسط شما و دیگر مترجمان این عرصه، چه زوایایی از این برهه را روشن می‌کند؟**

اجازه بدهید اول به عنوان یک بوشهری و بعد به عنوان کسی که دستی در این تحقیقات داشته، از نکته سنجی و دقت شما که موجب می‌شود من هم سر ذوق بیایم و علاقه‌مندتر صحبت کنم، از شما و نشریه ارزشمندتان تشکر کنم. به هر حال این یک واقعیت است که در تاریخ نگاری ایرانی اهمال کاری‌های بسیاری شده است و وقایع چنان که شایسته این مردم و تاریخ‌شان است ثبت نشده است، با این همه بگذارید ضمن پاسخ به این سؤال ماجرای شنیدنی را هم ذکر کنم. چند سال پیش، وقتی زنده یاد حجت الاسلام نبوی که رئیس وقت بوشهرشناسی بودند، برای شرکت در مجلس ترحیمی به یکی از روستاهای اطراف می‌روند، به رسم سنت کتابچه قرآنی (عم جز) به ایشان می‌دهد. ایشان که مردی فرزانه و بسیار دقیق و ریزبین و همچنین اهل تحقیق و مطالعه

همان طور که می‌دانید رئیس‌علی دلواری در جنگ اول جهانی هم‌زمان با جنبش مشروطیت قیام می‌کند. به هر حال رئیس‌علی جوانی بوده حدوداً ۳۳ ساله و قاعدتاً در جنگ‌های ۱۸۳۴ و ۱۸۵۶ حضور نداشته است. حضور رئیس‌علی به زمانی بازمی‌گردد که مجتهد اهرمی گمرک بوشهر را به تصرف درمی‌آورد. قاعدتاً رئیس‌علی هم که مردی متدین و دیندار بوده - به عنوان یکی از فرماندهان نظامی - با ایشان همراه می‌شود. نکته بسیار جالب پس از تصرف گمرک بوشهر این بود که با وجودی که مرسوم بوده خان‌ها به مال التجاره یکدیگر دست اندازی‌هایی هم می‌کردند، اما رئیس‌علی در کمال صحت عمل و پاکسی، امانتدانه رفتار می‌کند و اجازه نمی‌دهند در گمرک بوشهر، هیچ آسیبی به مال التجاره تجار وارد شود. این ویژگی در کنار شجاعت و بی‌باکی این سردار مردی خاص و محبوب از او می‌سازد.

**اشاره نکردید در کدام سند با نام ایشان مواجه شدید و استعمارگران چگونه از او یاد می‌کنند؟!**  
داشتم به همین نکته می‌رسیدم! به هر حال تاریخ است و بدون ذکر پس و پیش اتفاقات نمی‌توان راجع به آن صحبت کرد. در دو کتابی که از

در دو کتابی که از گزارش‌های انگلیسی‌ها ترجمه کرده‌ام موضوعات مختلفی به صورت مفصل و کامل نگاشته شده است. اولین نکته‌ای که در خصوص شخص رئیس‌علی دلواری در این گزارش‌ها ذکر می‌شود به سال ۱۹۰۹ میلادی بازمی‌گردد، به زمانی که انگلیسی‌ها در بوشهر قشون پیاده می‌کنند و آن‌جا را اشغال می‌کنند. این‌جا رئیس‌علی در حضوری جانانه، جنگ سختی با انگلیسی‌ها می‌کند



**در خصوص فیلم «تنگسیر» دو کتاب وجود دارد؛ یکی کتابی نوشته صادق چوبک که کتاب مفصلی است و دیگری کتابی نوشته رسول پرویزی. این دو کتاب و همین طور فیلم تنگسیر من را بر آن داشت تا ان شاء الله کاری هم در این خصوص داشته باشم.**

کوچه پس کوچه‌های آن راه رفته‌ام. زمانی که دیپلم گرفتم به عنوان مترجم در نیروی دریایی استخدام شدم و باز چشم به آب‌های این ساحل دوختم اما هرگز فراموش نمی‌کنم زمانی را که برای اولین بار پرچم ایران اسلامی را بر فراز ناو ایرانی دیدم که در ساحل حرکت کرد و پهلو گرفت. آن روز دوستان تهرانی‌ام با دیدن اشک چشمان من، ابراز تعجب کردند اما آن‌ها نمی‌دانستند پس از سال‌ها دیدن کشتی‌ها و ناوهایی که پرچم انگلیس بر آن‌ها به چشم می‌خورد دیدن یک ناو وطنی چه حالی دارد، چه شوقی می‌آفریند و چه غروری به همراه می‌آورد! از آن روز تا امروز هر بار با سربلندی از کنار ساحل می‌گذرم و عظمت و بزرگی مردی چون رئیس‌علی دلواری - این شهید راه آزادی و آزادگی - در نظرم بیشتر و بیشتر می‌شود و خوشحالم که بزرگی این شهید امروزه نه در بوشهر که به همت شما و نشریه ارزشمندتان ایران را در خواهد نوردید و یاد و خاطر آن اسطوره تدین و شجاعت را زنده نگاه خواهد داشت، یادی که به واسطه آن، نام سلحشوران بسیاری مطرح و جاودانه خواهد شد، یاد مردمی که غرور و سربلندی به خلیج همیشه فارس داد.

\*\*\*

#### وضعیت بوشهر و نواحی اطراف آن:

همان‌گونه که در گزارش سال پیش خاطر نشان گردید نواحی داخلی بوشهر در آغاز سال به نحو چشمگیری آرام بود. از همان مراحل اولیه سال وضع رو به دگرگونی نهاد. کنسول آلمان از همان سپتامبر ۱۹۱۴ / شوال - ذی‌عقده با رئیس‌علی تنگستانی و دیگر رؤسا وارد تحریک و توطئه شده بود و اندک زمانی پس از شروع سال جدید این تحریکات به ثمر نشست. در ژانویه / ربیع الاول - ربیع الاخر آقای واسموس که تا اوایل ژوئیه ۱۹۱۴ / کفالت کنسولگری آلمان را بر عهده داشت و سپس به اروپا رفته بود، در شوشتر پدیدار شد. وی سرپرستی هیأتی را بر عهده داشت که می‌بایست ایران و افغانستان و در صورت امکان نواحی مرزی هندوستان را بر ضد بریتانیای کبیر بشوراند. دکتر لیندز و آقای بوهنشتورف و تعدادی ایرانی و ۳ یا ۴ هندی آشوبگر نیز همراه او بودند. وی فوراً مردم را به جهاد دعوت کرده و به قصد برانگیختن چهره‌های سرشناس و ملایان بر ضد بریتانیا، مقادیر متناهی پول در میان‌شان تقسیم کرد. در فوریه /

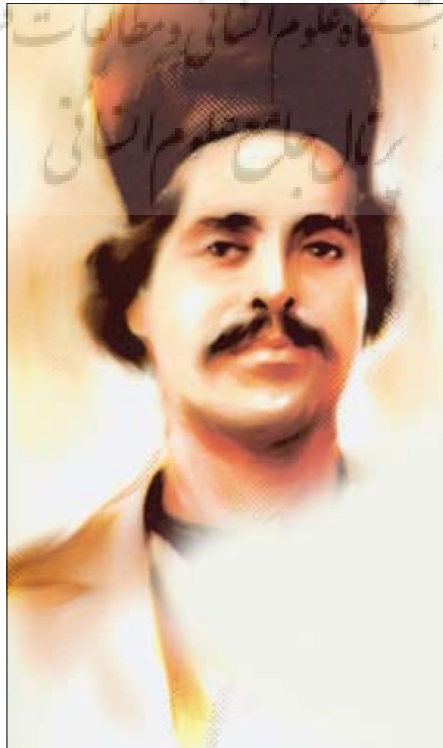
بله، در میان اسناد و منابع انگلیسی‌ها، گزارش‌های بسیار زیادی ناظر بر عدم حمایت دولت مرکزی از این نهضت و مردمی بودن صددرصدی آن وجود دارد.

#### کتاب گزارش‌های سالانه کنسول انگلیس کی آماده می‌شود؟

هنوز روی این کتاب کار می‌کنم. مرحله نگارش تمام نشده، اما اجازه بدهید به نکته‌ای در این خصوص اشاره کنم. حتماً شما هم فیلم «تنگسیر» را دیده‌اید. در این خصوص دو کتاب وجود دارد؛ یکی کتابی نوشته صادق چوبک که کتاب مفصلی است و دیگری کتابی نوشته رسول پرویزی. این دو کتاب و همین طور فیلم تنگسیر من را بر آن داشت تا ان شاء الله کاری هم در این خصوص داشته باشم. وقتی گزارش‌های سالانه کنسول انگلیس را که از ۱۳۰۰ تا شهریور ۱۳۲۰ را دربرمی‌گرفت دریافت کردم با اشتیاق شروع به کار کردم که شاید در این خصوص هم مطالبی به دست بیاورم. نکته جالب آن‌که تنها مطلب به دست آمده، متنی از کنسول انگلیس بود که در خصوص شیرمحمد می‌گوید: «یکی از شهروندان به این دلیل که به او ظلم شده بود و حقی از او ناحق شده بود پنج نفر را کشت.» بنابراین همان طور که می‌بینید گاه به دست آوردن مدارک و اسناد و اطلاعات چندان هم آسان نیست.

**با توجه به همه یافته‌های تان و با توجه به این که با فرهنگ و تاریخ این خطه از کودکی آشنا هستید، به عنوان نکته آخر برای ما از حس و احساس درونی خود نسبت به شهید رئیس‌علی دلواری بگویید.**

من از کودکی چشم به ساحل این شهر داشتم. از کودکی قصه‌های آن را شنیده‌ام و از کودکی در



#### خارجی، ماجرای مبهم شهادت رئیس‌علی دلواری از این کلاف سردرگم خارج می‌شود یا خیر؟

ابهام ماجرای شهادت رئیس‌علی دلواری - چه به لحاظ اسناد و روایت‌های داخلی و چه به لحاظ اسناد انگلیسی‌ها و دیگران - هنوز به قوت خود باقی است. البته نام‌هایی در این خصوص مطرح است اما...

#### می‌توانیم از این نام‌ها مطلع شویم؟

از آن‌جا که هنوز ابهامات به درستی و چنان که باید و شاید رفع نشده‌اند اجازه بدهید نامی ذکر نشود. **آیا عدم ذکر این نام‌ها به روایت صحیح و تمام و کمال تاریخ لطمه می‌زند؟**

فرمایش شما کاملاً صحیح است اما اجازه بدهید توضیحی در این خصوص بدهم. تحقیق تاریخی از نظر من برای ایجاد وفاق و یکپارچگی است. اگر قرار باشد تاریخ به این وحدت و وفاق لطمه بزند سر به مهر باقی ماندنش بهتر است. توجه داشته باشید که ما در شهر کوچکی زندگی می‌کنیم. شاید شما در تهران خیلی راحت‌تر به مسائل اشاره کنید اما در شهر کوچکی مثل این‌جا که همه با هم به نوعی قوم و خویش محسوب می‌شوند قضایا فرق می‌کند. کوچکترین اشارات نسنجیده - چه به واقع و چه دور از واقع - می‌تواند شرایط بسیار ناخوشایندی پدید بیاورد. بنابراین، حق بدهید که در ذکر موارد با احتیاط بیشتری عمل شود. شواهد هنوز چنان که باید محکم و روشن نیست و تحقیق و اسناد بیشتری لازم است. همان طور که گفتم ما هنوز انگیزه کسی را که ایشان را به شهادت رسانده به درستی نمی‌دانیم و با حدس و گمان هم نباید شرایط نامطلوب پدید آورد، ضمن این که کاری مثل کار شما بسیار ارزشمندتر است. پرداختن به حماسه شهید اسطوره‌ای و قیام ایشان برای مخاطب بسیار مفیدتر و اصولی‌تر است. نکته آخر را هم به مرور تاریخ می‌سپاریم با این اطمینان که عظمت خون آن بزرگوار خود مسیر شناخت را به ما نشان خواهد داد. زندگی و قیام شهید رئیس‌علی دلواری بود که آن بزرگوار را محبوب دل‌ها کرد و نامش را جاودان ساخت و البته در نهایت به افتخار ابدی یعنی شهادت نایل شد. پس در حال حاضر با گزارش و گسترش این منش و روحیه‌ی خدایی، این مسیر را باید جاویدان و زنده نگاه داشت.

**گویا در حال ترجمه آثار جدیدتری هستید که ابهامات تاریخی ما در خصوص حماسه جنوب و شخصیت رئیس‌علی دلواری را بیشتر برطرف کند؟**

بله، همچنان به کار مشغول هستم. در حال حاضر روی گزارش‌های سالانه کنسول انگلیس کار می‌کنم که اطلاعات بسیار مهم و مرجعی در آن وجود دارد. این کتاب از سال ۱۳۰۰ یعنی روی کار آمدن رضاخان تا شهریور ۱۳۲۰ را دربرمی‌گیرد. **آیا در اسناد و گزارش‌هایی که ترجمه کرده‌اید یا در دست ترجمه دارید به رویکرد دولت موقت به قیام جنوب هم اشاره شده است؟**

ششم نیز تحت فرماندهی میجر ویتل، بردو ناو اخیر الذکر بودند. به علت نامساعد بودن شرایط جوی، فقط در ۱۳ اوت / ۲ شوال بود که امکان پیاده کردن نیرو فراهم گشت. در پی این اقدام پیاده نظام نود و ششم، با حمایت بخشی از تفنگداران نیروی دریایی به فرماندهی ناخدا سوم بلومفیلد، از نیروی دریایی سلطنتی و کاپیتان کارپنتر، از پیاده نظام سبک نیروی دریایی سلطنتی [I.L.M.R. (Infantry Light Marnie Royal)] و چند مسلسل به چند رشته عملیات موفقیت آمیز بر ضد رئیس علی دست زدند که در خلال آن قلعه [دلواری] منفجر شد و مجازات‌های چشمگیری بر رئیس علی و افراد طایفه اش وارد آمد. متأسفانه در خلال این عملیات ناخدا سوم بلومفیلد به علاوه هفت دریانورد و تفنگدار دریایی، یک افسر بومی [هندی؟] و ۵ سرباز هندی کشته شدند. یک افسر نیروی دریایی و ۲۴ دریانورد و ۱۶ سرباز هندی نیز مجروح گردیدند. نیروی اعزام در ۱۶ اوت / ۵ شوال به بوشهر بازگشت.

\*\*\*

پس از حرکت ژنرال بروکینگ در جهت شهر و همچنین به سوی خطوط مقدم دفاعی شیخون‌هایی صورت گرفت. رئیس علی که شخصاً فرماندهی این حملات را بر عهده داشت، کشته شد. رئیس علی فعال‌ترین و مصمم‌ترین خان دشتی بود و حذف وی از صحنه ضربه مهلکی بر آن‌ها و به همان نسبت شانس بزرگی برای ما بود. ■



**حضور رئیس علی به زمانی بازمی‌گردد که مجتهد اهرمی گمرک بوشهر را به تصرف درمی‌آورد. قاعدتا رئیس علی هم که مردی متدین و دیندار بوده - به عنوان یکی از فرماندهان نظامی - با ایشان همراه می‌شود. رئیس علی در کمال صحت عمل و پاکی، امانتدارانه رفتار می‌کند و اجازه نمی‌دهند در گمرک بوشهر، هیچ آسیبی به مال التجاره تجار وارد شود.**

بوشهر حمله خواهند کرد. علاوه بر این نگارش نامه‌های موهن و تهدیدآمیزی را نیز به حاکم و کفیل سرکنسولگری آغاز کردند که با وقفه‌هایی چند تا پایان سال ادامه یافت. از سوی دیگر حیدرخان نیز که با اقداماتی چون بازداشت و اساموس، خصومت «دموکرات‌ها» و آلمان خواهان را موجب شده بود، صلاح آن دید که با استفاده از دشمنی دیرینه شبانکاره ای‌ها و خان برازجان، با شبانکاره متحد شود. به این ترتیب خوانین دوست بریتانیا، یعنی خوانین حیات داوود، لیروی، رود حله و شبانکاره ائتلاف کردند. احمدخان انگالی عملاً به آن‌ها ملحق نشد ولی دوستی خود را حفظ کرده و با اردوی خوانین دشمن نیز متحد نگردیدند.

با توجه به وضعیت خطرناکی که پیش آمده بود هنگامی که نوبت به تعویض نیروی صد و دوم نارنجک انداز رسید، ستاد فرماندهی و یک جناح از پیاده نظام نود و ششم برار که در ۶ آوریل / ۲۱ جمادی الاول وارد بوشهر شد، جانشینش گردید. جناح دیگر هنگ مزبور بعدها اعزام شده و در ۱۸ مه / ۴ رجب وارد بوشهر شد.

\*\*\*

تصمیم گرفته شده بود که همزمان با اشغال بوشهر، دلواری روستای رئیس علی، نیز بمباران شود ولی از آنجایی که ناو «جونز» تا پیش از ۵ اوت / ۲۴ رمضان به بوشهر نرسید و تعداد زیادی از خدمه آن بر اثر گرما و دشواری‌های سفر رنجور بودند. عملیات مزبور چند روز به تعویق افتاد. در شب ۹ اوت / ۲۸ رمضان ناوهای جونو، پیراموس، دالهورزی و لارنس به سوی دلواری حرکت کردند، یک جناح از پیاده نظام نود و

ربیع الاول - ربیع الاخر معین شد که قصد دارد از طریق رامهرمز راهی برازجان گردد. از آنجایی که وی علناً مردم را به نقض بی‌طرفی ایران تحریک می‌کرد و تبلیغات جهادی و غیرجهادیش خطرناک بود، تصمیم گرفته شد که خان حیات داوود را که از دوستان بود، و واسموس می‌بایست از قلمرو او عبور کند، تشویق نماییم که وی را به ساحل آورد تا بازداشت گردد. کاپیتان نوئل در ۳ مارس / ۱۶ ربیع الاخر به بندر ریگ رفت و چندی بعد نیز آقای چیک برای ترتیب امر به دیدار حیدرخان حیات داوودی شتافت. حیدرخان فوراً آمادگی خود را برای تعقیب واسموس و آوردن وی به ساحل ابراز داشت و واسموس و همراهانش توسط برادر حیدرخان دستگیر شدند. ولی متأسفانه خود واسموس در خلال شب از چنگ افراد خان گریخت. دکتر لیندز و همراهانش به بندر ریگ آورده شدند و اطلاعات بسیار ارزشمندی به دست آمد. مقادیر متناهی جزوات و اعلامیه‌های آتشین به زبان‌های عربی و فارسی و هندو و زبان‌های مختلف هندی در میان اثنای کاروان کشف شد. برخی از این نوشته‌ها دعوت به جهاد و برخی دیگر نیز تحریک هندی‌ها به شورش بر ضد انگلیسی‌ها بود. دکتر لیندز در ۸ مارس / توسط ناو نارخوس از ناوگان هند به بوشهر آورده شد. در این میان از آنجایی که تردید نبود که دکتر لیسترن، کنسول آلمان در بوشهر با تنگستانی‌ها مشغول توطئه است، تصمیم گرفته شد که او و نماینده محلی تجارتخانه وُنکهاوس که به وی کمک می‌کرد، بازداشت و اخراج گردند. لهذا در ساعات اولیه روز ۹ مارس / ۲۲ ربیع الاخر کنسول و آقای آیزنهوت بدون دردرس در بوشهر دستگیر شدند. کاپیتان نیل، معاون اول نمایندگی و سرپرست نمایندگی مقیم در آن ایام و کاپیتان اکز، افسر فرمانده نیروی صد و دوم نارنجک انداز از ارتش هند که در بوشهر مستقر بود ترتیب این بازداشت را دادند.

اسنادی که در کنسول آلمان کشف شد، ثابت کرد که دکتر لیسترن با رئیس علی [دلواری] و دیگر خوانین ناراضی منطقه در توطئه بوده است. علاوه بر این، اسناد مزبور از توطئه گسترده‌ای پرده برداشت که از سوی آقای کاردوف وزیر مختار آلمان برای یک حمله سراسری در بهار به نمایندگان و مجامع انگلیسی در ایران ترتیب یافته بود.

موقر الدوله حاکم بوشهر از بازداشت و اخراج آلمان‌ها بسیار عصبانی بود. واسموس و هواداران آلمان نیز برای دامن زدن به احساسات ضد انگلیسی در میان عشایر داخله بوشهر، از این عامل هم استفاده کردند.

میرزا محمدخان غضنفر السلطنه، خان برازجان که گرایش‌هایش کاملاً شناخته شده و از سال ۱۹۰۹ / ۱۳۲۷ به بعد بارها آشکار شده بود، با شرکت شیخ حسین چاه کوتاهی، رئیس علی دلواری و زائر خضرخان اهرمی ائتلافی از خوانین محلی بر ضد انگلیسی‌ها تشکیل داد. آن‌ها تهدید کردند که به